

کجک اولیاء

در آموزش کودکان

مخصوص مدارس راهنمایی

والدین محترم :

اگر میل دارید که فرزندان شما
 در آینده شغل مناسب و زندگی
 سعادت‌مندانه‌ای داشته باشند باید
 به آنان کمک کنید تا براساس
 نوع ، استعداد و نیازهای جامعه
 خود شغل آینده شان را انتخاب
 کنند، نه براساس موقعیت اجتماعی
 اشتیاق و احوالنا "مایلات"
 شخصی شما.



یادمانه جهبا کند

اصولا " یکی از صفات بارز انسان ، ایس
 است که موجودی انتخاب‌گر است. خداوند
 در سوره دهر پس از اشاراتی در مورد آفرینش
 انسان می فرماید " اِنَا هَدَيْنَا السَّبِيلَ اِنَّمَا
 سَاكِرًا " وَاِنَّمَا كَفُّورًا " ما راه را به انسان نشان
 دادیم، می خواهد سپاسگزار باشد و می خواهد
 کفر ورزد. این یکی از نعمتهای بزرگ الهی
 است که انسان را انتخابگر آفریده و به او اختیار
 داده تا به میل ، اراده و درک خود هر راهی

در گفتار پیشین اشاره کردیم که یکی از
 هدفهای تعلیم و تربیت در دوره راهنمایی
 هدایت دانش آموزان به انتخاب رشته تحصیلی
 برای دوره دبیرستانی و بالاخره فراهم کردن
 زمینه برای کزینش شغل آینده دانش آموزان
 می باشد. در این مقاله درباره نحوه انتخاب
 رشته تحصیلی با شما خواننده عزیز که ولی و یا
 مربی دانش آموز هستید مسائلی را متذکر می -
 شویم .

می زند خودش مسئول عواقب آن خواهد بود .
چرا؟ چون انتخاب با اوست .

انتخاب

انتخاب آن هم انتخاب صحیح و مسئولانه کار آسانی نیست، دشواری انتخاب در بعضی مواقع به حدی است که انتخابگر را دچار اضطراب و نگرانی و دغدغه خاطر می کند. از طرف دیگر انتخاب یا بهتر بگوئیم "انتخابات" در زندگی محدود و محدود نیست بلکه در تمام مراحل و روزهای زندگی با مساله انتخاب روبرو هستیم . بعضی از این انتخابها مثل انتخاب شغل ، انتخاب دوست ، انتخاب همسر ، انتخاب خط و منی سیاسی و آنچنان حائز اهمیت هستند که ممکن است سرنوشت و مسیر زندگی انسان را دگرگون کنند. ارزنده ترین نقشی که اولیاء و مربیان در سارندگی دانش آموزان دارند این است که اولاً " دانش آموزان را به اهمیت انتخاب آگاه کنیم . ثانیاً " ملاک و موازین ارزشهای "انتخاب" را به آنان نشان دهیم یعنی به فرزندان خود بیاموزیم که انتخاب بایستی بر مبنای اصول و موارد خاصی صورت گیرد . ثالثاً " : در بعضی از مراحل انتخاب به فرزندان خود کمک کنیم تا آنان شیوه انتخاب کردن و به خصوص انتخاب احسن را بیاموزند .

انتخاب رشته تحصیلی

یکی از انتخابات مهم در زندگی، انتخاب رشته تحصیلی به منظور دست یافتن به شغل



لطفاً "ورق بزنید

که می خواهد انتخاب کند و به عبارت دیگر انسان را در انتخاب آزاد و مختار گذاشته، ولی باید بداند که مسئول است .

خوبست که ما اولیاء و مربیان دانش آموز را به این نکته متوجه کنیم همانطور که اورا بینا شنواو . . . آفریده به او آزادی در انتخاب را نیز کرامت کرده است . وظیفه ماست به او کمک کنیم تا از آزادی و قدرتی که در انتخاب دارد مسئولانه استفاده کند .

مسئولیت و اختیار

کودکان در خردسالی به علت ندانستن قدرت جسمانی و عقلانی طبیعتاً "مسئولیتی احساس نمی کنند . به عبارت دیگر قبل از رسیدن به سن بلوغ از بند تکلیف رها هستند . کودکان در خردسالی بیشتر تحت نفوذ و سلطه پدر و مادر هستند ، آنان بیشتر اعمال خود را مثل لباس پوشیدن ، غذا خوردن ، به موقع مدرسه رفتن خروج از منزل و . . . به اراده و مسئولیت والدینشان انجام می دهند . بتدریج کمه بزرگتر می شوند آزادی و اختیار بیشتری کسب می کنند . اما در مقابل آزادی و اختیاری که به آنها داده می شود مسئولیت پیدا می کنند . پدر و مادر در مقابل اشتباهات آنان را مسئول می دانند و اگر دامنه اشتباهات کودک وسعت پیدا کرد آزادی و اختیارات او را محدود می کنند . وقتی که طفل بزرگتر شد و بد سن بلوغ رسید امر ونهی پدر و مادر کمتر می شود و محدودیت ها کم کم کاهش می یابد و در نتیجه شخص آزاد و مختار می گردد . اما در مقابل باید احساس مسئولیت نماید .

از وقتی که انسان آزاد می شود باید بداند هر تصمیمی که می گیرد و هر عملی که از او سر

دردرجه اول دکتر بعد مهندس و ددردرجه سوم قاضی وعدهای جواب داده بودند هرچه خدا می خواهد . برگردیم به اصل مطلب .

بعضی ازوالدین برحسب مقام وموقعیست اجتماعی ، تمایل ، آرزوهای دور و دراز ، تمنیات ارضا نشده ، و یا از دیدگاههای اقتصادی مذهبی ، رفاهی و یا باتوجه به آداب و رسوم خاصی که دارند سعی می کنند فرزندان شان را به شغل دلخواه خودشان هدایت کنند . این والدین توجهی به استعداد فرزندان و سایر عواملی که در انتخاب شغل موثر می باشد ندارند . وبعضی از والدین هم به علت فقر فرهنگی کوچکترین کمکی به فرزندان شان درانتخاب شغل نمی کنند وبه ناچار فرزندان این دودسته ازوالدین تلاشگر و بی تفاوت - اغلب در انتخاب شغل ناکام و ناموفقند . برای جلوگیری ازاین ناکامیها چه باید کرد؟ شاید تنها راه چاره آشنا شدن بامبانی و موازین انتخاب شغل ورشته های تحصیلی باشد .

مبانی و اصول انتخاب شغل

برای اینکه فرزندان ما در انتخاب شغل موفق باشند خویست از کودکی ، بویژه در دوران نوجوانی با آنان به شرح زیر رفتار کنیم :

۱- آشنائی با مشاغل

فرزند از کودکی در باره بعضی از مشاغل سئوالاتی می کند مثلا " هتکامی که برای خرید درصاف نانوائی منتظر نوبت می باشد به کارکران نانوائی خیره می شود ، وقتی که نان داغ را به او می دهند و دستش می سوزد از خود و پیا والدینش سئوال می کند که چرا دست آنها

مورد نظر است . به عبارت دیگر انتخاب رشته تحصیلی مقدمه انتخاب شغل (یا بعضی از مشاغل) برای دانش آموزان درآینده است .

نگرش اولیادرمورد مشاغل ورشته های تحصیلی

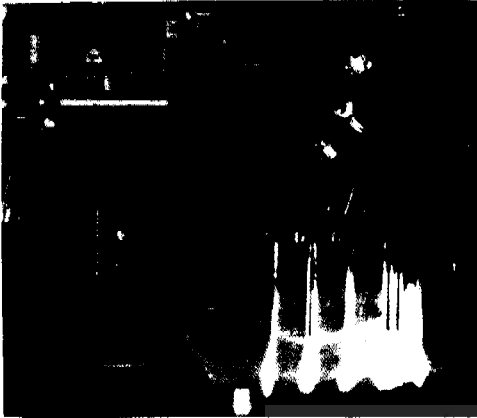
والدین در مورد انتخاب شغل وحرفه فرزندان شان نگرشهای متفاوت و کوناگونی دارند . عدهای سخت می کوشند که فرزندان خود را به سوی مشاغلی که مورد نظرشان هست هدایت کنند و دراین راه نهایت تلاش و کوشش را ابراز می دارند برعکس عده دیگر علاوه براینکه فرزندان شان را به سوی شغل و حرفه خاصی هدایت نمی کنند بلکه در فکر این مساله هم نیستند و شغل و حرفه آینده فرزندان شان را به تقدیر حواله می کنند . حال این دودسته را لسان الغیب چقدر زیبا دراین بیت بیان می کند :

"قومی به جدو جهد گرفتند زلف یار

قوم دگر حواله به تقدیر می کنند " بدنیست دراینجا به واقعه ای اشاره کنم . قبل از تاسیس مدارس راهنمائی در نظام آموزش و پرورش ، پرسشنامه ای جهت تحقیق و دریافت نظر و عقیده مردم درباره هدفهای آموزش و پرورش تهیه شده بود که یکی از سئوالات مربوط به این پرسشنامه چنین بود : شما به عنوان پدر یا مادر میل دارید فرزندان درآینده چه شغلی داشته باشد؟ لطفا " سه شغل را به ترتیب اولویت قید نمائید .

راستی فکر می کنید والدین به این سئوال چه پاسخی داده بودند؟ درچند بخش از تهران اکثر والدین جواب داده بودند :

مرزعه، بیمارستان و غیره است تا از نزدیک نظاره کر کار کارگران، کشاورزان و یا پرستاران باشد و سئوالات خود را مستقیماً با افراد مسئول و در حال اشتغال مطرح کرده از آنان پاسخ بگیرد.



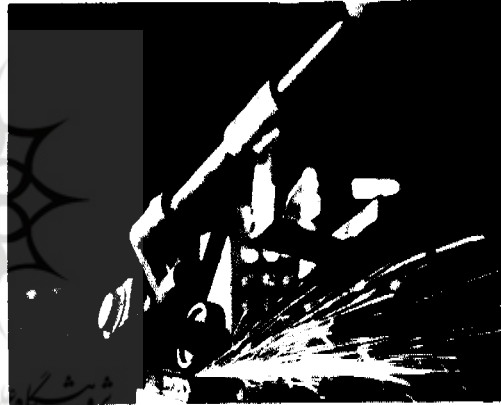
۲- استعداد و توانائی

پس از آشنائی با مشاغل مختلف نکته دومی که باید مورد توجه قرار گیرد، توانائی لازم برای احراز شغل مورد نظر است، مثلاً " برای بعضی از مشاغل مثل خلبانی توانائی جسمی خاصی از قبیل دید کافی، سلامتی کامل، تناسب اندام و امثال آن لازم است.

به نوجوانان باید با آرامش تفهیم کنیم که از لحاظ خلقت باهم متفاوتند. بعضی بلندترو بعضی کوتاهتر و بالاخره همه ما از لحاظ قوای بدنی، عواطف و احساسات باهم متفاوتیم. همه ما نقاط ضعف و نقاط قوتی داریم که باید این نقاط ضعف و قدرت را بشناسیم و اگر میسر باشد نقاط ضعفمان را به قوت تبدیل کنیم و اگر هم امکان نداشت لاقلاً در انتخاب شغل نقطه ضعفمان را در نظر داشته باشیم. تشخیص استعدادها معمولاً " به سه طریق انجام

نمی سوزد؟ و یاهتکام تعمیرات منزل به کاربنا و کچکار و نقاش خیره می شود و سئوالانی از والدین و یا از آنها می کند و

اگر از کودکی به سئوالات کودک درست وبه موقع پاسخ داده شود او آماده می شود که در سنین نوجوانی با مشاغل مختلف آشنا کردد. در هر صورت یکی از اقدامات لازم و مهمی که باید در دوره راهنمائی صورت گیرد آشنائی دانش آموز با حرف و مشاغل کوناکون می باشد. به موازات درسی که تحت عنوان " حرفه و فن " می خواند بایستی به رموز بعضی از مشاغل در رشته های صنعت - کشاورزی و خدمات آشنا شود.



برای آشنائی با حرف و مشاغل، مدرسه به دو طریق عمل می کند یکی از طریق جزوه هائی تحت عنوان " بروشورهای شغلی " است که در این جزوه ها مثلاً " در مورد پرستاری بسیاری از نکات لازم در مورد این شغل همراه با مزایا و مشقاتی که دارد بیان شده و در پایان میزان تحصیلات لازم و شرایط احراز این شغل کوشرد می شود تا اگر مورد علاقه دانش آموز قرار گرفت مراحل رسیدن به آن را بییامید. و طریق دیگر رفتن به کارخانه، کارگاه



می شود .

۳ - علائق

یکی از اصولی که در انتخاب شغل و حرفه باید به آن توجه شود اشتیاق و علاقه است . همانطور که قبلاً اشاره شد به علت تفاوت‌هایی که بین افراد وجود دارد بعضی از افراد به شغل و حرفه خاصی عشق می‌ورزند درحالیکه افراد دیگر از انجام آن شغل ممکن است متنفر باشند . اگر سرگذشت افرادی که در شغل و حرفه شان موفق بودند بخوانیم متوجه می‌شویم که اغلب مخترعان و مکتشفین بزرگ همان علاقه‌مندان و شیفتگان حرفه و شغل خود بوده‌اند . در تاریخ علوم آمده که برادران سینگر مخترع چرخهای خیاطی معروف سینگر ماشین دوختن خود را ساخته بودند ولی این ماشین نخ زیر نداشت به سرعت میدوخت ، بخیه‌ها رایکنواخت می‌زد ولی به علت نداشتن نخ زیر پارچه‌های دوخته شده از هم جدا می‌شد . سالها گذشت ولی این شیفتگان خیاطی به علت علاقه‌ای که به کارشان داشتند از شغل و هدفشان روی نگردانیدند تا اینکه با کمک شخصی به نام ماکودستگاهی ساختند که نخ زیر را در چرخهای خیاطی طرح ریزی کرد و امروز به همان نام "ماکو" معروف است .

عشق و علاقه در شغل و حرفه موجب تعالی و ترقی می‌شود و نداشتن عشق و علاقه و بی‌ رغبتی از کمیت و کیفیت کار کاسته و شغل را بی اعتبار می‌کند . والدین محترم باید به علاقه و اشتیاق فرزندان شان نسبت به حرف گوناگون توجه داشته و اگر سعادت آنان را خواهانند بگذارند شغل مورد علاقه شان را انتخاب و به آن اشتغال ورزند .

اول اینکه افراد مطلع و مجرب با مشاهده و نظاره عمل مامیران استعداد و توانائی ما را مشخص می‌کنند . بنابراین معلمان و والدین با نظارت دقیق بر کار دانش آموزان و فرزندان می‌توانند میزان توانائی و استعداد آنان را مشخص نمایند دوم : استفاده از تستهاست . در بعضی از زمینه‌ها تست‌هایی تهیه شده که به کمک آن تستها می‌توان میزان استعداد و توان افراد را اندازه گیری نمود . ولی مناسبانه این تستها به اندازه کافی در اختیار معلمان نبوده و علاوه برآن از لحاظ فنی هم باید به نتایج تستها با احتیاط برخورد کرد . سوم ، خود فرد ، به فرزندان خود باید گوشزد کنیم که در رفتار و نحوه عمل خود در برابر مسائل و موقعیت‌ها بیندیشند و رفتار خود را با همکلاس‌ان و سایر افراد بدقت سقایسه کنند تا به میزان توان و استعدادهای خویش آگاه شوند . و آنان را تشویق کنیم تا برابر استعدادها و توان خود نسبت به انتخاب شغل آینده خود اقدام کنند . در فکر این نباشیم که فرزند ما در آینده شغل مهمی داشته باشد ولو نتواند آنرا انجام دهد . بلکه باید اعتقاد ما این باشد هر شغلی را که خوب می‌تواند انجام دهد و به عبارت دیگر شایستگی و توانائی انجام آنرا دارد انتخاب کند . همانطور که نظامی به پسر ۱۴ ساله‌اش توصیه می‌کند :

ای چارده ساله قره‌العین

بالغ نظر علوم کوبی

پالانگری به غایت خود

بهرتر زکلاه دوزی بد

شغلی را برمی‌گزینند.

والدین نباید از داشتن چنین فرزندانسی به وحشت بیفتند. بلکه یکی از حکمت‌های بالغه پروردگار همین بلند پروازی‌ها است. ایسن بلند پروازی‌های دوران نوجوانی در بعضی از جوانان کم کم به صورت دلچسبی ظهور می‌کند که آنرا اصطلاحاً "همت بلند" می‌نامند و همت بلند موجب ترقی و تعالی افراد جامعه است.

"همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جاها رسیده‌اند"

بلند پروازی‌گاهی اوقات موجب جهش می‌گردد و گفته‌اند:

وَلَا تَفْتَحْ بِمَا دُونَ الْجُودِ (به کمتیر از ستاره‌ها وضایت ندهید!) والدین محترم باید طبع بلند پرواز فرزندان نوجوان خود را بسا مهارت و ظرافت به "همتی بلند" تبدیل کنند و در عین حال به آرامش و نرمی آنان را با واقعیات زندگی آشنا نمایند تا بتوانند شغلی متناسب با علائق و استعدادها و نیازهای جامعه خویش انتخاب کنند.

۴- پذیرش و نیاز جامعه

یکی دیگر از سوارین و معیارها ایکه باید در انتخاب شغل و حرفه مورد توجه قرار گیرد پذیرش شغل از طرف جامعه با توجه به نیازهای آن است. یک نفر ممکن است توانایی‌های بسیار زیادی داشته باشد و بتواند درجه‌های مختلفی رشد کند ولی جامعه پذیرای هنرمندی‌های او نباشد و یا احتیاجی به کار او نداشته باشد. مثلاً "ممکن است یک نفر علاقه به زبان یونان باستان داشته و استعداد یادگیری آن زبان را نیز داشته باشد. حال اگر این فرد زبان یونان باستان را به خوبی فرا گیرد و به آن زبان مقالاتی بنویسد و شعاری سراید آیا در جامعه اسلامی ایران جایگاهی خواهد داشت؟

والدین باید فرزندان خود را متوجه این حقیقت کنند که در انتخاب شغل توجه به شرایط محیطی، فرهنگی، عقیدتی و مکتبی و جامعه خود داشته و برای خوشبخت زیستن و موفقیت باید شغلی را که مورد قبول و نیاز جامعه است انتخاب کنند.

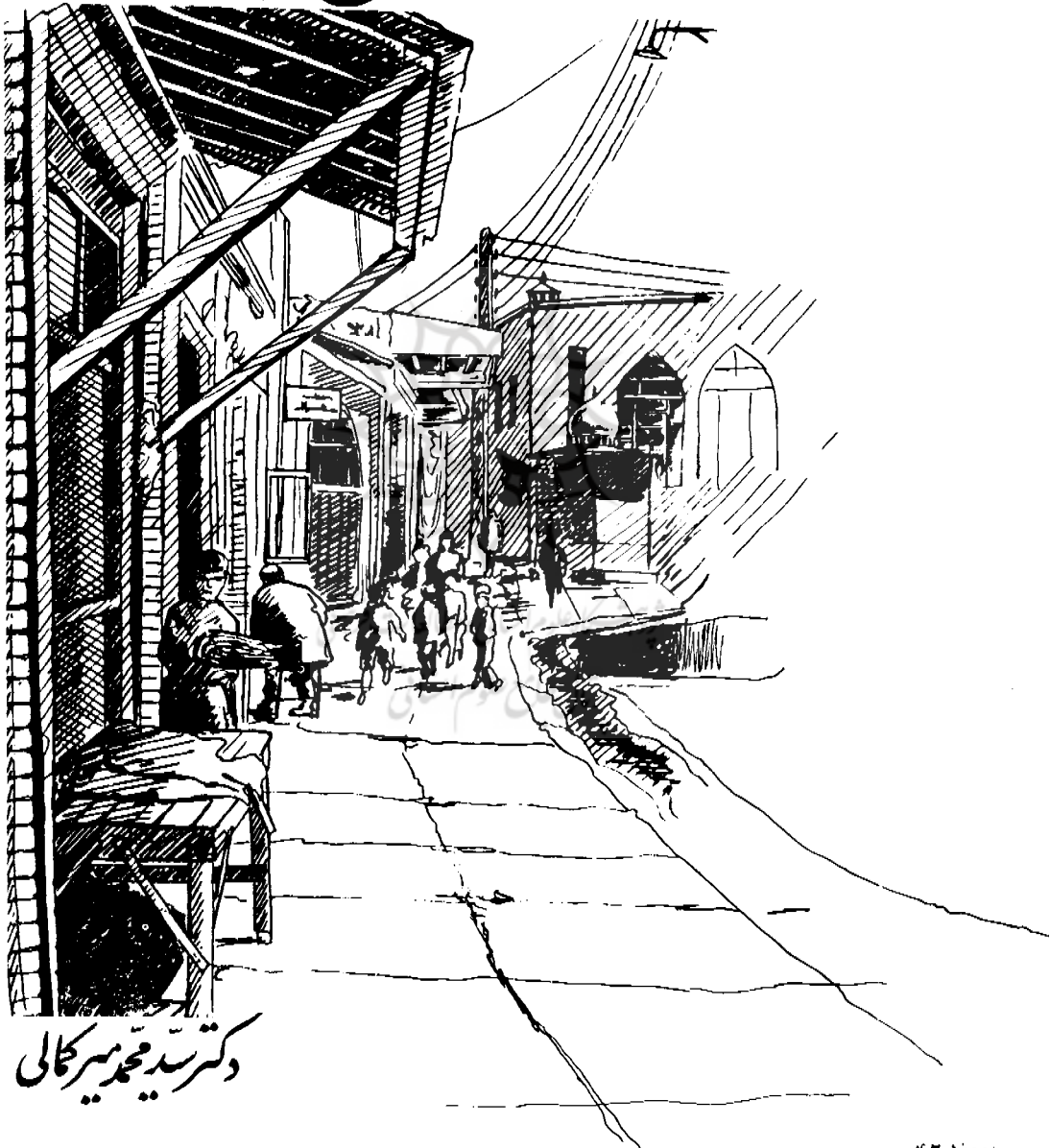
۵- ارضای طبع سرکش جوان

والدین محترم باید بدانند که نوجوانان به علت زندگی روی پائی که در سنین مدرسه راهنمایی دارند هدفهای بررکی انتخاب کرده و آرزوهای دور و درازی در سرنوشت پروراندند. به علت طبع سرکشی که دارند در سنین نوجوانی خود را بالاتر و بالاتر از هر چیزی و هر کس می‌پندارند. لذا در انتخاب شغل بدون توجه به امکانات، استعدادها و سایر اصول و موازین



بقیه در صفحه ۵۵

آموزش جامع



دکتر سید محمد میرکالی

کمک به مدیران مدارس در یاری رساندن به اولیاء و بالاخره استفاده از اولیاء در کمک به مدرسه و موفقیت تحصیلی فرزندانشان ما را در بارشناختن مشکلات و موانع و ارائه راه حل‌های درست مساعدت خواهد کرد.

مدرسه یک سیستم اجتماعی است که برای رفع نیازمندیهای جامعه در باب تعلیم و تربیت و آگاه و آماده ساختن افراد جامعه برای ورود به یک زندگی همراه با سعادت به انجام وظیفه می پردازد. یکی از ابعا د گوناگون آماده ساختن افراد برای زندگی، تربیت و تعلیم افراد در باره تشکیل خانواده و پذیرفتن نقش و مسئولیتهای پدر و یا مادر بودن است. بسیاری از تحصیل کردگان ما، پس از سالها تحصیل و صرف انرژی و وقت در مدارس، فاقد آگاهیها و آمادگیهای لازم برای ورود به صحنه زندگی خانوادگی و اجتماعی هستند. علت اساسی این مسئله عدم توجه مدارس به آشنا ساختن وظایف آتی این

ایر کودکان، نوجوانان و یا جوانان است. اغلب آنان که امروز به عنوان اولیاء به مدرسه مراجعه می کنند و کودکان خود را به دست ما می سیرند، در روزگار نه چندان دوری از گذشته دانش آموزان همین مدارس بوده اند. در آن روزگار، هر چند که مدارس زحمات زیادی را متحمل شده باشند، ولی به وظیفه توجه به آماده ساختن افراد برای نقش پذیری و قبول مسئولیت نیرداخته اند. چقدر از وقت تعلیمات عمومی در مدارس ما به مباحث تربیتی و تعلیمی که دانش آموز را منوجه مسئولیتهای خودش می کند اختصاص داده شده است؟ آیا اصولاً، منهای یادگیری عمومی که هر تحصیل کرده دارد و این یادگیریها او را در جهات مختلف توانا می سازد، فارغ التحصیلان دختر

یکی از پایه های اساسی تعلیم و تربیت رابطه اولیاء و مربیان است. تا زمانی که این پیوند معنی دار و مستحکم نشود، نباید به موفقیت قطعی مدارس در امر تعلیم و تربیت امیدوار بود. اگرچه اولیا از علاقمندترین و دلسوزترین افراد نسبت به سرنوشت فرزندان خود هستند، اما توقع کمک و موثر واقع شدن آنها در موفقیت تحصیلی امری ساده و سهل الوصول نیست. همانطور که دانش آموزان نیازمند به تعلیم و تربیت هستند و نمی توانند بدون یادگیری و تربیت برنامه ریزی شده در زندگی خود، دیگران و جامعه موثر واقع شوند، اولیاء نیز چنانچه از قبل آمادگیهای لازم را کسب نکرده باشند، نمی توانند به فرزندان خود کمک کنند.

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش
آیا ما می توانیم کسی را که فاقد نگرش و بینش خاص و یا تجربه و اطلاع لازم برای انجام کاری باشد، وادار به انجام آن کار کنیم؟ آیا دادن هر مسئولیتی نباید مطابق با تواناییهای افراد باشد؟ آیامی توانیسم کسی را به کاری حکم کنیم که از طاقت و توان او خارج باشد؟ اگر پاسخ همه این سؤالات منفی است، آیا همه اولیاء ما شرایط تحقق و انجام رسالت مهم کمک به فرزندانشان را از روی آگاهی و درک نیازها دارند؟ اگر باز هم پاسخ منفی باشد، چه کسی مقصر است و چه کسی باید عهده دار آماده سازی اولیا گردد؟ مطرح ساختن سؤالاتی درباره توانمندیهای اولیاء، گشودن افقی تازه در کمک به اولیاء برای ایفای بهتر نقش خود



مدیریت ، برنامه ریزی و فعالیتهای تربیتی و تعلیمی صعب دارد بسیارند ، تمام رحمتات و آرزوهای آنان بر باد خواهند رفت . بالعکس



اگر مدرسدای اهداف و روشهای خود را براساس اصول تعلیم و تربیت و با همکاری و صمیمیت پدر و معلمانی بی زبری کند و بهترین آموزشها را به کودکان اراند دهد ، ولی اولیاء آنها را در حین غیر از این اهداف حرکت کنند ، تمام بلاسیا و رحمتات مدرسد بی اثر مانده و به هدر خواهد رفت .

درجین وضعیت دوکاند ، نه تنها این دو نهاد از هم فاصله بی گیرند ، بلکه اگر حتی بر اثر ضرورتها باهم در تماس باشد بگذر

و پسر مدارس ما توانائی خاصی در هدایت زندگی آتی و قبول وظیفه و نقش ولی بودن کسب می کنند؟

برای پاسخ دادن به این سئوالات و ادابته بحث باید وضعیت کودکرا در محیطهای مختلف یادگیری و تاءثیر هر یک از این محیطها را در نظر گرفت . معمولاً " ، منبع اصلی کسب اطلاعات و تربیت و تعلیم کودک ، خانواده مدرسه ، اقربان و همسالان ، کوی و برزن و بالاخره رسانه های همگانی می باشد . از میان همه عوامل مهم برشمرده شده ، خانه و مدرسه از همه مهمتر و حساس ترند . به شرط آنکه این دو عامل بتوانند وظایف خود را به شایستگی انجام دهند ، بیشترین سهم تربیت و تعلیم از آن آنها خواهد بود .

برخاستگاه منش و شخصیت افراد به ترتیب خانواده و مدرسه است . مدرسه و خانواده به منزله دویال برای دادن توانائی لازم به منظور پرواز در فضای زندگی و هدایت آن به سمت کمال و سعادت و برخورد با مشکلات و مواقع و ارائه راه حلهای مناسب است . این دو قطب سی - توانند با کمک و یاری یکدیگر وسیله پرواز و حرکت و زندگی سعادتسندانده کودکان را فراهم سازند . اگر اهداف ، مقاصد و روشهای این دو نهاد اجتماعی در راستای یکدیگر و با درک متقابل و همکاری و تعامل باشد ، موفقیت دانش آموزان حتمی و قطعی است . اما اگر بین آنها هماهنگی و همسوئی نباشد ، کار یکدیگر را خنثی و بی اثر می کنند . اگر به فرض ، اولیائی با اهداف عالی ، فرزند خود را به دست مدرسه ای که

باید به آموزش اولیاء و یا جامعه نیز که موضوع مورد بحث ماست اهمیت بدهند و امکانات مطالعه ، یافتن راه حلها و روشهای اجرایی آن را فراهم سازند . مقاله زیر کوششی در ارائه بعضی از راه حلها و هموار نمودن این راه می - باشد .

آموزش جامعه چیست ؟

یکی از پدیده های جدید تعلیم و تربیت مفهوم آموزش جامعه است . آموزش جامعه مفهومی است مبنی بر توسعه نقش و وظیفه مدرسه و مدیریت برای تعلیم و تربیت عمومی و روشی است پویا برای اصلاح فرد و جامعه . فلسفه آموزش جامعه بر توسعه و تقویت روابط حیاتی ، وابستگی دوجانبه و همبستگی خانه مدرسه و جامعه در تمام جنبه ها و فازهای رشد و اصلاح انسان و جامعه و نهایتاً " تعلیم و تربیت کودکان است که با استفاده از کل جامعه ، مدرسه و محیط آن ، آزمایشگاهی زنده برای یادگیری و تربیت دانش آموزان و بزرگسالان بوجود می - آورد . در این مفهوم ، مدرسه تنها برای کودکان نیست ، بلکه برای همه کسانی که به آموزش نیاز دارند خواهد بود . اگر مدرسه محلی برای تأمین نیازهای آموزشی و تربیتی جامعه است پس مدرسه باید خود را متعلق به جامعه بداند و این نیاز را در همه ابعاد و بالاخص و یا حداقل در رابطه با اولیاء تأمین کند و بهمین دلیل باید مدرسه را معادل با " مدرسه جامعه " دانست . منظور از مدرسه ، جامعه یک سیستم ارائه خدمت معاضدت آمیز برای همه افراد جامعه است . چنین مدرسه های آموزشهای طولانی دائم العمر ، فرصتهای تکمیل دانش و اطلاعات تفریحات ، خدمات اجتماعی و فرهنگی را

را درک نخواهند کرد . دوگانگی فرهنگی خانواده و مدرسه باعث دوگانگی شخصیت سردرگمی و اختلال در تصمیم گیری و یافتن راه درست ، برای زندگی آینده کودکان خواهد شد . یکی از بنیانی ترین مسائلی که باید در مدارس ما طرح و مورد بررسی و اجراء قرارگیرد مسئله برطرف کردن دوگانگی فرهنگی خانواده و مدرسه است . منظور از دوگانگی فرهنگی تفاوت مجبوعه برداشتها ، طرز تلقی ها و انتظاراتی که خانواده از مدرسه و مدرسه از خانواده دارد و بالاخره ادراک کلی وظیفه ای که هر دو در جهت تعلیم و تربیت کودکان برعهده دارند می - باشد . بدون شک نهاد های دیگری این دو گروه در روشها ، برنامه ها و استفاده از منابع متبلور می شود که اینها نیز به نوبه خود از فرهنگ آنها برمی خیزد . فرض بر این است که هرچقدر خانواده و مدرسه در مورد مسائل مذکور به ادراک واحد و همانندی برسند جریان تعلیم و تربیت بهتر انجام خواهد گرفت . این دوگانگی فرهنگی ، تنها در اثر آموزش ، تشریک مساعی و مشارکت اولیاء و مدرسه به یگانگی و وحدت می انجامد . به نظر می آید که بهترین جایگاه اجرای این برنامه خود مدرسه باشد . مدرسه می تواند با توانائی بالقوه ای که دارد ، اولیاء را متشکل و زمینه های مشارکت و آموزش آنها را فراهم آورد . بدیهی است ، این برنامه صرفاً با گفتار ، توضیح شفاهی و یا در حد این نوشته انجام نخواهد گرفت ، بلکه پس از اعتقاد و ارزش دادن به آن باید روشها و راههای عملی آن را نیز جست . وزارت آموزش و پرورش و مقامات مسئول بهمان طریق که به تعلیمات عمومی و تهیه امکانات و برنامه ها اهمیت می دهند

درست ایفای نقش کند .

بعد اول - تربیت و تعلیم والدین آینده که فعلا " در مدارس ما در حال تحصیل هستند ؛ باید از هم اکنون کتب و منابع درسی مدارس را با توجه به مقتضیات سنی و پایه تحصیلات دانش آموزان، حامل مطالبی کرد که زمینه ساز شکل گیری ادراک و نگرش مثبت آنان به خانواده و مفاهیم آن باشد. در مراحل بالاتر تعلیم و تربیت می توان با راهنمودهای علما و دست اندرکاران تعلیم و تربیت خانواده، کتاب درسی و ویژه های رایج این کار اختصاص داد که در یکی از پایه های تحصیلی دبیرستان تدریس شود. این کتاب، به عنوان مثال، می تواند موضوعات مفهوم خانواده، حفظ کیان خانواده نقش پذیری در خانواده، مسئولیت در خانواده مشارکت و شور در خانواده، اخلاق در خانواده تغذیه و بهداشت کودک، روشهای تربیت کودک روابط انسانی در خانواده، عوامل استحکام و سستی پایه های خانواده، مطالعه تطبیقی



فراهم می سازد و به همین منظور برنامه ها و فعالیتهای هماهنگ و پیشرفته ای برای تمام سنین فراهم می سازد. آموزش جامعه فرصتی برای باهم کارکردن مردم، اصلاح خود و جامعه آنها بوجود می آورد. آموزش جامعه جنبه های متعددی دارد که به پاره های از آنها اشاره می شود :

۱- آموزش اولیاء

دکتر توماس گوردن در کتاب پرورش کارآئی والدین می گوید " میلیونها مادر و پدر هر ساله صاحب نوزادی می شوند که کاملا " بی دفاع است. آنها مسئولیت حساسی را پذیرفته اند که باید کودکان خود را از نظر جسمی و روحی طوری بار بیاورند که شخص مفیدی برای جامعه باشند. چه کاری از این مشکلتر است؟ با وجود همه اینها چند نفر برای اینکار تعلیم دیده اند و کدام " برنامه کارآموزی " در دسترس آنها است و در کجا می توانند بیاموزند که چطور در این شغل مهارت پیدا کنند؟ "

انسانها مفهوم و روش زندگی را از اولیاء خود می آموزند، اما مشکل اساسی این است که آیا آنچه آموخته می شود قابل اعتماد و درست است؟ آیا با تکیه به اصول تعلیم و تربیت آنچه از اولیاء به فرزندان منتقل می شود موجب تاءمیر سعادتمندان می شود؟ بدون تردید طرز تفکر و روش زندگی همه اولیاء درست و قابل اعتماد نیست و باید مدرسه به عنوان مرکزی مطمئن در آموزش مسائل فوق در نظر گرفته شود. مدرسه باید در دو بعد به تعلیم و تربیت افراد برای آماده شدن برای تشکیل خانواده، پذیرش نقش پر مسئولیت پدر و یاسادر بودن و آشنائی با روشهای

خانواده در فرهنگهای مختلف، آماده سازی فرزندان برای رفتن به مدرسه و روشهای همکاری کمک و برقراری روابط با مدرسه را در برگیرد. اگر چنین تحولی در مدارس مآرخ دهد، بسیاری از مشکلات تحصیلی کودکان و کرفناریهای خانواده آنها حل خواهد شد و دانش آموزان فعلی یا اولیاء آئنده در زندگی خانوادگی خود موفق خواهند بود.

بعد دوم - آموزش اولیاء: آموزش اولیاء با توجه به آنچه قبلاً بیان گردید جنبه های مختلفی دارد.

الف - درک اهداف و وظایف تعلیم و تربیت و مدرسه: اکثر اولیاء نسبت به اهداف و وظایف مدرسه بیگانه هستند و نمی دانند که کاراساسی مدرسه چیست. بیشترین توجه اولیاء به مسئله سواد و شغل و ادب فرزند خود می باشد که باید از طرف مدرسه مورد توجه و تاءکید قرار گیرد. آنها درباره سایر جنبه های تعلیم و تربیت از قبیل رشد خود رهبری دانش آموز، استقلال رشد شخصیت و آمادگی برای پذیرش مسئولیت و سایر چیزها نظر خاصی ندارند و یا از آن بی اطلاع هستند. به همین دلیل هیچ اقدامی از طرف آنان در جهت شکل گیری و رسیدن به این اهداف نمی شود. مدرسه باید وظایف خود و اهداف تعلیم و تربیت و جنبه های مختلف آن را برای اولیاء تشریح کند. بدون شک، آگاهی آنان از وظایف و اهداف مدرسه و تعلیم و تربیت عامل مهم تعاون، هماهنگی و همسوئی و به احتیال قوی همکاری و معاضدت خانه و مدرسه می شود.

ب - شناخت مشکلات فرزندان و راههای کمک به آنها: اگر چه همه اولیاء از صمیم دل می خواهند به فرزندان خود کمک کنند، اما

بسیاری از آنها اطلاعات و آمادگیهای لازم را برای شناخت مشکلات و کمک به جگر گوشگانشان را ندارند. آنها معمولاً از ویژگیهای سنی و نیازهای هر انسان کمتر می دانند. غالب آنها به مشکلات جسمی، روانی، اجتماعی و عاطفی کودکان در سنین مختلف و مقتضیات آن سالها توجه ندارند. گاهی اوقات والدین به طریقی به مشکل فرزندان شان پی می برند ولی نمی دانند که به چه کسی باید مراجعه کنند و یا اصولاً "مراجعه و کمک خواستن را ننگ و شرم به حساب می آورند. مدرسه باید در تمام زمینه ها اعم از یافتن مشکل و پیدا کردن راه حل و هدایت اولیاء به منابع و اشخاصی که به آنها مساعدت خواهند کرد کمک کند. به عنوان مثال مدرسه می تواند لیستی از پزشکان معلمان و یاسازمانهایی را که می توانند به یافتن و حل مشکلات کمک کنند در اختیار داشته باشند. این سازمانها می توانند از سازمانهای وابسته به آموزش و پرورش و یا بطور کلی دولت مثل بهزیستی، مددکاری اجتماعی دانشگاهها، بهداشت مدارس، بهداشتی آموزشگاهها و نظایر آن و یا افرادی که به خاطر خدا و یا وجدان بیدار نوع دوستی حاضرند بطور داوطلبانه به دیگران کمک کنند باشند. شاید، روزی فرا رسد که مدارس و مدیران مادر راه آموزش به اولیاء آن چنان نقش پویا و پیشرفتدای داشته باشند که بتوانند با تاءمین منابع مالی از محل تعاون اولیاء، کمکهایی خیرخواهانه مردم خیر و سهمیه ای که احیاناً از طرف وزارت آموزش و پرورش به آموزش و کمک به اولیاء و دانش آموزان محتاج به کمک

لطفاً ورق بزنید



به علت عدم توجه مدارس در بکارگیری نیروهای اولیاء ، اولیاء کمک به مدرسه را از وظایف مسلم خود بشمار نهای آورند . شاید عده‌ای از اولیاء علاقمند به کمک به مدرسه باشند ولی ندانند ارچه راهها و با چه وسایلی می‌توانند به مدرسه کمک کنند . مدرسه باید با



روشی منطقی نقش آموزش دهندگی داشته باشد . مدیران مدارس باید با اعلام نیازهای مدرسه از یکطرف و مطلع شدن از تواناییهای بالقوه اولیاء از جهت دیگر زمینه‌های تطبیق این نیازها را با نیروهای آنها بدهند . مدیر مدرسه می‌تواند در جلسات توجیبه‌ای به اولیاء بگوید که آنها چگونه می‌توانند به مدرسه کمک کنند . یک نقاش ، یک دبیر ، یک دندان پزشک ، یک نجار ، و یک هنرمنند می‌تواند در مسائل نقاشی کلاسها ، تدریس در یک کلاس ، معاینه دندان بچه‌ها ، ساختن

تخصیص داده می‌شود ، بتوانند سخارج لازم نظیر حق الزحمه ، حق العلاج ، حق التدریس و نظایر آن در راه این کمک ها پرداخت نمایند . مدیریت مدارس می‌تواند با تشکیل کلاسهای آموزشی لازم را به اولیاء در جهت شناخت مشکلات وهمینطور نحوه کمک به فرزندانشان به آنها بدهد .

ج - درک مفهوم زندگی سالم وسعادتمند براساس درک وظایف و روابط حسنه : بسیاری از خانواده های کم سواد و یابی سواد تصورات خاصی از زندگی و سعادت در زندگی دارند . بدون شک ، این تصورات ریشه در زندگی پدران آنها و آنچه که به چشم خود دیده و تجربه کرده اند دارد . اما همیشه این روش ناء میهن کننده سعادت و خوشبختی نیست . بسیاری از این والدین روابط بین زن و شوهر و اولیاء و فرزندان در خانواده را به خوبی نمی‌دانند . آنها نمی‌دانند که روابط حسنه و انسانی آنها در محیط خانوادچه ناء نیراتی در زندگی فرزندان آنها خواهد داشت . باید دید کاههای اسلام درباره وظایف پدر و مادر و همینطور مسائل تربیتی را برای آنها روشن کرد . مدرسه می‌تواند الگوهای خوب و ارزشمند زندگی درست و سعادتمندانه را با توجه به مباحث بهداشت جسمی ، روانی و اجتماعی به اولیاء بیاموزد .

۲ - جلب مشارکت اولیاء و آموختن و آماده ساختن آنها برای کمک به مدرسه : یکی از جنبه های آموزش جامعه ، آموزش اولیاء برای مشارکت در مسائل مدرسه می باشد . اولیاء ماهم به لحاظ ولی بودن که جگر گوشگانشان را به مدرسه سپرده اند و هم به لحاظ فرهنگ اسلامی علاقمند به کمک به مدرسه هستند . اما ، شاید

نسبت به مشکلات کوچک و محله خود و طرز کار شهرداری، ادارات و امکانات محل خودشان بحث و تبادل نظر کنند. مدرسه می تواند مفاهیم آرازی، مشارکت اجتماعی و زندگی در جامعه را به افراد آموزش دهد. در عین حال مدرسه مرکز تصمیم گیریها و تبادل نظر در مسائل مختلف مثل جنگ، زلزله، سیل و نظایر آن است. در همین محل می توان افراد را به وظایف اسلامی، میهنی و اجتماعی آنها آشنا کرد و آنها را آماده کمک به هموعان خود در مصائب و بلاهای طبیعی نمود.

و تعبیر سیزدهای شکسته و رهبری کارهای هنری مدرسه نقش مهم و قابل توجهی داشته باشند.

۳ - بررسی مشکلات خانوادگی، اجتماعی و محلی اولیاء: مدرسه مرکزی است برای مراجعه مردم و اهالی یک محل. آموزش جامعه یعنی آماده بودن مدرسه در جهت دادن آموزشهای لازم به مردم و همینطور حل مشکلات مختلف آنها. مدرسه می تواند یک مرکز مشاوره خانواده باشد. خانواده ها باید بتوانند مشکلات زندگی و خانوادگی خود را در مدرسه مطرح کنند و پس از شنیده شدن حرفهای



۴ - آماده سازی مدیران و معلمان برای آموزش جامعه: همانطور که قبلاً تذکر داده شد برنامه آموزش جامعه خود بخود شکل نمی گیرد و جامعه عمل بخود نمی پوشاند. وزارت آموزش و پرورش باید از هم اکنون برنامه های لازم را برای این کار پیش بینی و پی ریزی کند. آموزش مدیران و معلمان و معتقد نمودن آنان به آموزش جامعه سنگ زیر بنای آموزش جامعه خواهد بود.

آنان نسبت به پیدا کردن راه حل های مناسب و طایعات زندگی کوشش شود. مدرسه و امکانات آن می تواند برای استفاده اولیاء جهت مراسم مذهبی اردواج و نظایر آن مورد استفاده قرار گیرد. البته این کار باید همراه با آموزش های لازم انجام گیرد تا در حفظ و نگهداشت لوازم نهایت دقت شود. احتمالاً می توان در مقابل بهره گیری از امکانات مسالغ رویهمرفته نازلی را بعنوان سخراج اسپلاک و تعبیرات از آنان گرفت.

مردم باید بتوانند با مراجعه به مدرسه و شرکت در جلسات و بحثهای اجتماعی و محلی



بِ عَمَلِ كَارِ بَرَّآيِد ، بِ سُنْحَدَانِي نَسِيْت

بهترین وسیله تربیت ، تربیت کردن با نمونه های عملی و سرمشق زنده است . کسانی که مرتب موعظه و نصیحت می کنند ولی دم خروس نمایانگر چیز دیگر است ، مردم حس می کنند ناصح از هوای نفس الهام می گیرد و زیر بار نصیحت نمی روند .

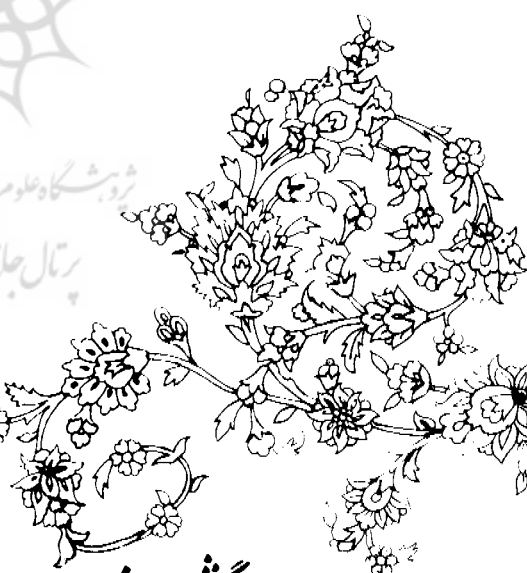
نصیحتنم چه کنی ناصحا تو میدانی

که من نه معتقد مرد عافیت جویم
از عایشه از خلق و خوی رسول خدا (ص)
سؤال شد ، گفت : خلقش قرآن بود ، جوابی
دقیق ، عجیب ، مختصر و کامل یعنی پیامبر (ص)
مصدق عملی همه دستورات خدا بود که بوسیله
قرآن نازل شد . او سرمشق مردم در زندگی
عملی در روی زمین بود ، او پیش از اینکه با
کفتار خود مربی و راهنمای خلق باشد با رفتار
شخصی خود بهترین تربیت کننده و رهبر بود
نخست از خویش نمونه عملی دستورهای قرآن
را نشان می داد پس از آن مردم را بدان
دستورها می خواند .

راز حرف شنوی از امام نیز همین است که
امت معظم له را پاسدار راستین مکتب اسلام و
مصدق واقعی اخلاق و رفتار اسلامی می داند
و به همین جهت مقلد اوست و مطیع .

بهترین حرفها اگر از ناحیه کسانی باشد که
خود عمل نمی کنند ستم است و بجای ناء ثیسر

سگرف منخی



مثبت ایجاد نفرت می نماید .

از واعظ ناستعظی پند شنیدم

چون قبله نما ساختن اهل فرنگ است

انقلاب اسلامی شالوده یک تحول معنوی

است ، همانطوری که روح اخلاص در ررندگان

و همه عاشقان خدا زنده است همگان نیز باید

این چنین باشند . هنگامی که امیر مؤمنان

علی (ع) محمد فرزند ابی بکر را که جوانی

بیست و هشت ساله بود برای زمامداری کسور

مصر انتخاب کرد به وی فرمود : " نسبت به عموم

مردم ستواضع باش ، هنگام برخورد و ملاقات

همیشه کشاده رو باش ، باقیافه گرفته مردم را

ملاقات مکن ، ساوات را درهیه جبر ، حتی

درنگاه کردن نسبت به همه مراعات کن ، سادا

بزرگان و زورمندان طبع کنند که بجای آنها

منمایل شوی ، نکند ضعفا و نایوانان از اجرای

عدالت تو مأیوس باشند :

شنیدم که دانای مرشد شهاب

دواندرز فرمود بر روی آب

یکی آنکه بر نفس خود بیندیش

دگر آنکه بر خلق بدبیندیش

برای نمونه برخی از سخنان بزرگان اسلام

را ذکر می کنیم :

شما خواننده عزیز مقایسه کنید با بعضی

از رفتارها و حرکات و زستنیهای خاصی که با

روح اسلام منطبق نیست !

روزی رسول اکرم (ص) در مجلسی نشست

بود و صاحب دور او بودند . یکی از مسلمانان که

مردی فقیر بود وارد شد . طبق سنت اسلامی

هرکسی در هر مقامی هست وقتی وارد مجلسی

شد باید هر کجا جای حالی هست بنشیند . آن مرد

کنار مرد ثروتمندی که جای حالی بود نشست

مرد ثروتمند ندی خود را جمع کرد و خود را

کنار کشید ، پیامبر (ص) ستوجه رفتار او بود به

مرد ثروتمند فرمود :

ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟!!

پاسخ داد نه یا رسول الله ، پیامبر فرمود

ترسیدی که چیزی از ثروت تو با او به ارث برسد؟

پاسخ داد : نه یا رسول الله ، پیامبر (ص)

پرسید : ترسیدی که لباسهات کثیف شود؟

پاسخ داد : نه یا رسول الله ، پیامبر فرمود

بس چرا خودت را کنار کشیدی؟ آن مرد گفت

اشتباه کردم و برای جبران آن حاضر منصف

دارائیم را به این مسلمان بدهم ، مرد فقیر گفت

ولی من حاضر نیستم قبول کنم ، حصار گفتند :

چرا ؟ پاسخ گفت : سترسم زمانی مراهم غرور

نکرد و با یک برادر مسلمان رفتاری کنم که

امروز این شخص با من کرد .

فروتنی است سرانجام کار اهل کمال

سوار چونکه به منزل رسد پیاده شود

بعضی از ما کجای کاریم ! ، چرا خواستد و سوا

ناخواستند مردم را از خود بری می سازیم؟! در

حالی که بیشوایان ما همیشه سعی در جلب

اعتماد مردم دارند . دریکی از جنگهای اسلامی

حضرت علی (ع) با مرد شرکی در حال مبارزه

بود آن مرد عرض کرد یا علی نشسیرت را به

من بخش ، آن حضرت شمشیر را به وی داد

حریف نبرد عرض کرد از توای پیر ابیطالب

در شکتم که در چنین موقعی شمشیرت را به

دشمن می دهی ، فرمود تو دست تقاضا دراز

کردی ورد کردن ستوال از شیوه اهل کسرم دور

است ، مرد کافر از اسب پیاده شد و گفت : هُذِهِ

سِرَّةُ أَهْلِ الدِّينِ (این است راه و روش اهل

دین) و پای سارک حضرتش (ع) را بوسید

ایمان آورد و مسلمان شد .

علی وار ریدکی کردن بد حرف است با بد

عمل !!!



لفظها و نامها چون دامپاست

لفظ شیرین ریگ آب عمرماست

راه تداوم انقلاب پیاده شدن احکام واقعی

اسلام و عدالت خواهی و ایثار گری و مبارزه شدید باهمه‌ی خلافتها و مفاسد است ، بفرموده امام امت : اگر انسان این (من) را بر پا گذاشت و (او) شد همه چیز را اصلاح می کند .

گیرم که هزار مصحف از برداری

با خود چه کنی که نفس کافر داری

از بهر نماز مینهی سر به زمیں

آترا به زمیں بنه که در سرداری

مسلمانی روی سینه ابوجهل نشست ، او گفت

از این پائین کردنم را قطع کن ، گفت چرا؟ مگر

چه فرقی می کند بالا یا پائین؟ گفت : برای

اینکه وقتی سرم را سر نیزه کنند از همه بلندتر

باشد و همه بفهمند این سر مال ابوجهل است

این احساس کم و زیاد در بسیاری از ما وجود

دارد . منتهی گاه بقدری ظریف و باندازه ای

لطیف است که با پرده هائی از تاءویل ها و

تفسیرهای دیگر می آید و انسان خودش متوجه

نمی شود ، این جمله از او بانیشادها است :

"در بیرون خبری نیست ، هر که به بیرون چشم

بدوزد در انتظار خواهد ماند و خواهد مرد

به خود باز کرد در آنجا همه چیز خواهی یافت

امام باقر (ع) فرمود : حضرت علی (ع) در

زمان خلافتش با غلام خود قنبر به بازار کوفه

رفت و به فروشنده فرمود : دو پیراهن سی -

خواهم ، فروشنده عرض کرد : دارم یا

امیرالمومنین ، حضرت حرکت کرد تا از مغازه

خارج شود ، صاحب دکان گفت : عرض کردم

موجود است ، فرمود : چون تو مرا شناختی از

تو نمیخرم . رفتند به دکان دیگری ، جوانکی

پشت دخل نشسته بود و صاحب دکان نبود

حضرت فرمود : دو پیراهن میخواهم یکی به سه

درهم و دیگری به دودرهم ، جوان گفت دارم

یا اخالعرب ، پیراهنی را آورد ، حضرت پول را

داد و پیراهن سه درهمی را به قنبر مرحمت

فرمود ، عرض کرد مولای من : شایسته تر آنستکه

شما لباس سه درهمی را بیوشی زیرا مغنبر میروی

و با مردم سخن میگوئی ، لباس سه درهمی بر

قامت زیبای تو زیباتر جلوه می کند ، حضرت

فرمود : توجوانی و جوانی شکوهمندی لباس

میطلبید ، به علاوه من از خدای خود حیا می کنم

که لباسم از تو بهتر باشد زیرا از رسول

اکرم (ص) شنیدم که درباره غلامان سفارش

میفرمود که به آنان لباسی را بیوشانید که خود

می پوشید و همان غذا را بخورانید که خود می -

خورید : "أَطْعَمُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ وَالْيَسْرُ هُمْ مِمَّا

تَلْبَسُونَ ."

مناسفانه هستند کسانی که حرف حق

می زنند و عمل بناحق می کنند ، طرفدار ضعیف

هستند ولی کردارشان باعث نابودی ضعیفاء است

کرک هستند در لباس چوپان .

راه هموار است و زیرش دامپها

قحطی معنا میان نامپها

این لاف و کزاف خنده گرفت ، حیوانکرا خواست و گفت : تو را توان آنستکه خیمه و خرگاه مرا به دریا افکنی؟ کنجشک بینوا جواب داد: نه ، سلیمان گفت پس چرا لاف میزنی و کزاف می‌گوئی ، گفت ای پیامبر خدا خودت بهتر می دانی که بر عاشق دلباخته هر چه بگوید و لاف بزند حرجی نیست وانگهی اگر مرد پهلوان زن خود نباشد در کدام زورخانه می‌تواند کباده بکشد؟ سلیمان از این حاضر جوابی خوشش آمد و کنجشک ماده را خواست و گفت : تو چرا به وصل عاشق دلباخته تن نمی دهی؟ گفت : همسرم عاشق من نیست و دروغ می گوید ، سلیمان پرسید دلیلت چیست؟ ماده گفت : اگر براستی عاشق من بود دلش را پیش دیگری به گرو نمی‌گذاشت زیرا خدا برای کسی دو قلب نمی گذارد تا بتواند به



دو چیز مهر بورزد ، در این حالت سلیمان تکانی خورد و به گریه افتاد و مدت چهل روز از خدا خواست که : بارالها قلب مرا از محبت غیر خودت خالی کن"

هر دیده که عاشق است خوابش مدهید

هر دل که در آتش است آبش مدهید

زیرا همه چیز آنجا است ، بیرون ظلمات است از این چشمه ها جز رنج نمی جوشد"

از درون خویش این آوازه‌ها

سنع کی ناکشف کرد درازها

ذکر حق کی بانگ غولان را بسوز

چشم ترکس را از این کرکس بدوز

صبح صادق را ز کاذب و اشناس

رنک می را و اشناس از رنک کاس

تابیننی رنک جز این رنکها

کوهراں بیننی بجای سنگها

آیا باشعار تنها جامعه‌ای اصلاح خواهد

شد؟! آیا تشنگی را نوشتن آب ، تلفظ آب

تصور آب بر طرف می کند یا خود آب؟ پر

واضح است که آب عینی و خارجی نه ذهنی

تشنگی را رفع می کند :

" كُوْنُوْ اِدْعَاةُ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ"

مردم را با غیر زبان‌تان به طرف خدا دعوت

کنید یعنی با عمل و کردار : راست بگوئیم و با

صداقت عمل کنیم ، نه‌رو می گفت : درسی‌که

از رهبر هند یعنی گاندی گرفتم این است که :

سیاستی که سبب بر راستی نباشد سرانجام

شمی به بار نمی آورد ، موقتا " شاید نتیجه‌ای

بدهد ولی برای همیشه هرگز .!

در کشکول شیخ بهائی آمده است که : حضرت

سلیمان (ع) روزی دو کنجشک را دید که با هم

مشاجره می کنند چون زبان پرنندگان رامی -

دانست کوش داد و شنید که کنجشک نر از ماده

طلب وصل می کند و آن یک از مواصلت ابناء

می نماید و کار بجائی رسید که نر می‌گوید :

چگونه خودت را در اختیار من نمی گذاری کویا

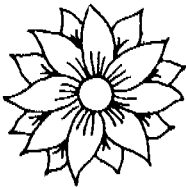
از قدرت من بی‌خبری ، همین مقدار بدان اگر

اراده کنم قبه و خرگاه سلیمان را با نوک منقار

خود کنده و به دریا می افکنم ، سلیمان را از

عضو جاویدانها می کنند و بر کرسی آکادمی
سی نشاندند که روی آن می توان
خوابید ولی نمی توان نشست!! خوشایه حال
کسانی که خویشی را از آلودگیهای ذهنی
رهانیده و جز به خدا به چیز دیگر نمی اندیشند
و برای تحقق ارزشهای والای الهی مشی و منس
انقلابی دارند و زبان مردمی .
داد درویشی از ره تمهید

سرقلیان خویش را به مرید
گفت از دوزخ ای نکو کردگار
قدری آتش بروی آن بگذار
بگرفت و ببرد و بار آورد
عقد کوه ز درج راز آورد
گفت در دوزخ آنچه کردیدم
درکات جحیم را دیدم
آتش از هیزم و ذغال نبود
اختری بهر اشتعال نبود
هیچکس آتشی نمیافروخت
ز آتش خویش هر کسی می سوخت



دل از برمن رسید از بهر خدای
گر آید و درزند جوابش مدهید
بمضامین سخنان حضرت علی (ع) می بایست
توجه بیشتری شود و سعی کافی بعمل آید
تا در عمل پیرو آن بزرگوار باشیم: " بهترین و
با عظمت ترین اوقات خود را بوظائف خویش
به خدا اختصاص داده تا کمتر به غیر او تعلق
خاطری پیدا شود، گرچه هرگاه نیت انسان
درست باشد و باعث اصلاح کار مردم شود تمام
اوقات به خدا مخصوص خواهد بود، هر وقتیکه
بانیت خیر در راه آسایش خلق قدمی برداشته
شود اختصاص به او دارد و عبادت محسوب
می گردد.

خدا کند از کسانی نباشیم که عدالت را فدای
مصلحت کنیم و یادمان باشد در حالیکه همه
کارها بدست عامه مردم صورت می گیرد آنها را
در عمل فراموش نکنیم و از جمله کسانی نباشیم
که از گناه دیگران ترسناک و از عاقبت گناه
خویش غافل باشیم. الکسیس پیرون در مورد
تشریفات تعبیری دارد، او می گوید: در فرانسه
وسیله مطلوبی را می شناسند تا بدان وسیله
جلوی نویسنده پرکاری را بگیرند، او را بیدرتک

فردمندترین مردم کسی است که بیشتر با مردم سازگاری سازنده داشته باشد

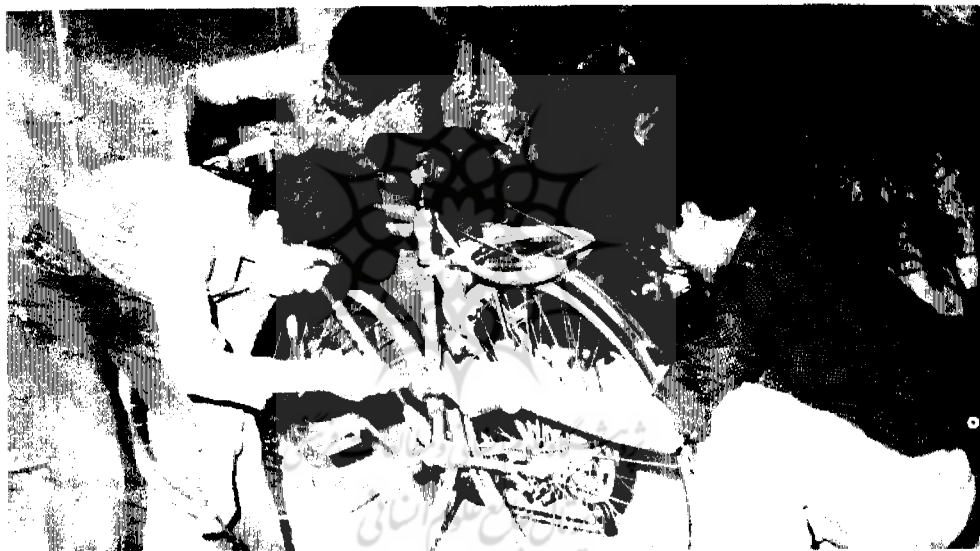
و با احتیاط ترین آنان کسی است که هر چه دیرتر چشم آید



کارگاهها ، کارخانه ها ، مزارع و سایر موسسات فراهم نمایند، درانتخاب شغل و حرفه آینده دانش آموزان کمک مفید و موثری خواهند کرد . این برنامه ریزی باید به نحوی انجام شود که برای همه دانش آموزان اعم از تجدیدی و قبولی امکان رفتن به مراکز اشتغال را فراهم کند و از طرف دیگر مشاوران حرفه‌ای و تحصیلی به کمک استادکاران ماهر باید در مورد اشتغال دانش آموزان ، نظارت نموده تا بتوانند در مورد استعداد، کرایش و بالاخره رشته تحصیلی و انتخاب شغل برای آینده دانش آموزان اظهار

تعطیلات تابستانی و انتخاب شغل

یکی از موقعیتهای بسیار مفید جهت انتخاب شغل و رشته تحصیلی همین تعطیلات تابستانی است . دانش آموزان در تعطیلات تابستانی به علت فراغتی که از تحصیل دارند می‌توانند به فعالیتهای مختلف بپردازند و به عبارت دیگر با این فعالیتهای خود را سرگرم سازند . بعضی از دانش آموزان در تعطیلات



نظر و راهنمایی نمایند .

والدین مسئول و آگاه هم باید برکارفرزندان خود نظارت کرده و آنها را درانتخاب شغل و حرفه آینده فرزندانشان یاری نمایند .



تابستانی به حرفه‌ای مشغول می شوند و با اشتغال تابستانی کرایش و استعدادهای خود را نسبت به مشاغل کوناگون می‌آزمایند . مناسبانه اشتغال به کار در تعطیلات تابستانی به علل مختلف برای همه دانش آموزان مقدور نیست .

اگر درتمام نقاط مملکت انجمن های اولیاء و مربیان یا مسئولان طرح کاد طوری برنامه ریزی کنند تا موجبات هدایت دانش آموزان را به